



دانشگاه علوم پزشکی قزوین
دانشکده دندانپزشکی

پایان نامه
جهت اخذ درجه دکترای دندانپزشکی

موضوع

بررسی میزان آگاهی نگرش و عملکرد دندانپزشکان و پزشکان عمومی
در رابطه با ضایعات بدخیم دهانی

استاد راهنما

سرکار خانم دکتر مریم خلیلی

نگارش

هادی آقابابایی

علی حسین زاده

خلاصه:

سرطان دهان ۲ تا ۳٪ کل سرطانهای بدن را شامل می‌شود و ششمین سرطان شایع در مردان و دوازدهمین سرطان شایع در زنان است. متأسفانه پیش‌آگهی بیماری فوق‌چندان رضایت‌بخش نمی‌باشد و میزان بقای ۵ ساله بیماران در حدود ۵۲٪ است. علت اصلی در این رابطه این است که معمولاً بیماران مبتلا در مراحل پیشرفته بیماری تشخیص داده می‌شوند. یکی از علل اصلی دیرکرد در تشخیص ضایعات فوق‌این است که این ضایعات در مراحل ابتدایی معمولاً بدون درد و علامت هستند و ظاهری کاملاً خوش‌خیم دارند. در نتیجه بیماران ضرورتی برای توجه به آنها حس نمی‌کنند. از طرف دیگر دندانپزشکان و پزشکان نیز که مسئولین اصلی تأمین سلامت افراد جامعه هستند، انجام معاینات سرطان دهان را معمولاً در برنامه کاری خود قرار نمی‌دهند، در نتیجه تا زمانی که ضایعه به مراحل پیشرفته و خطرناک خود نرسیده و مشکلاتی بعضاً جبران‌ناپذیر را برای بیمار ایجاد نکند، ترجیح‌ای به آن نشده و کاملاً فرصت می‌یابد تا به پیشرفت پنهانی و خطرناک خود ادامه بدهد.

مطالعه حاضر به منظور بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد دندانپزشکان و پزشکان عمومی در رابطه با ضایعات بدخیم دهان انجام پذیرفت. به این منظور پرسشنامه‌ای شامل چهار بخش طراحی گردید. بخش اول شامل اطلاعات کلی در رابطه با سن، جنس، نوع طبابت، سال فارغ‌التحصیلی و... افراد و بخش دوم مربوط به سنجش آگاهی و حاوی ۱۴ سوال در زمینه جنبه‌های مختلف ضایعات بدخیم دهانی بود. در بخش سوم نوع نگرش افراد نسبت به وضعیت فعلی

تشخیص و درمان بیماران در کشور و نحوه آموزش و منابع کسب اطلاعات آنها در این زمینه و در نهایت در بخش چهارم نیز نوع عملکرد آنها مورد ارزیابی قرار گرفت. جمعیت مورد مطالعه در بررسی حاضر دندانپزشکان و پزشکان عمومی بودند و تعداد نمونه‌ها شامل ۲۰۰ نفر (۱۰۰ دندانپزشک عمومی و ۱۰۰ پزشک عمومی) بود که به طور تصادفی از بین شرکت کنندگان در کنگره دندانپزشکی که در فروردین ماه سال ۱۳۸۰ برگزار شد و نیز دوره‌های بازآموزی مربوط به پزشکان عمومی شامل بازآموزی روماتولوژی در تاریخ ۲۲ فروردین ماه در کرج و بازآموزی اورژانس‌های پزشکی اطفال در تاریخ ۲۲ و ۲۳ آذرماه در قزوین انتخاب شدند. در این برنامه‌ها با مراجعه به افراد فوق توضیحات لازم به آنها داده شده و پس از جلب همکاری، پرسشنامه در اختیار آنها قرار داده می‌شد و در نهایت پس از تکمیل آن اقدام به جمع‌آوری پرسشنامه‌ها گردید. کلیه اطلاعات وارد رایانه شده و جهت تجزیه و تحلیل آماری از نرم‌افزار آماری SPSS و تست‌های آماری t -test، X^2 Anova و chi-square استفاده شد ($P < 0/05$).

از نظر میزان آگاهی، هر دو گروه دندانپزشکان و پزشکان، اطلاعات متوسطی در رابطه با ضایعات بدخیم دهانی داشتند و ارتباطی بین سن، سال و محل فارغ‌التحصیلی و سابقه تجربه کلینیکی با میزان آگاهی افراد مشاهده نشد. از نظر نحوه نگرش، اکثریت دندانپزشکان، تشخیص و درمان ضایعات فوق را در حیطه کاری دندانپزشک، در حالیکه اکثریت پزشکان آنها در حیطه کاری پزشک می‌دانستند. در تحقیق حاضر، آخرین مطالعات اکثریت افراد، مربوط به منابع دوران تحصیلشان بود و میزان اطلاعات خود را در رابطه با ضایعات بدخیم دهانی،

کافی نمی‌دانستند و به ضرورت آموزش‌های بیشتر در این رابطه واقف بودند. میانگین سنی بیماران مراجعه کننده به پزشکان از بیماران دندانپزشکان بالاتر بود و سابقه مواجهه پزشکان با این ضایعات از دندانپزشکان بیشتر بود. این در حالی است که تعداد بیشتری از دندانپزشکان، معاینات سرطان دهان را در بیماران خود انجام داده و نیز برای بیماران خود پرونده تشکیل می‌دادند. اکثریت پزشکان و دندانپزشکان در مورد بیماران high risk معاینات دوره‌ای و آموزش‌های لازم را انجام نمی‌دادند. همچنین اکثریت این افراد نیز در صورت برخورد با یک ضایعه مشکوک و یا یقین به بدخیم بودن آن، بیمار را به متخصص ارجاع می‌دادند و محل ارجاع بیماران در بیشتر موارد، مراکز درمانی وابسته به دانشگاه‌های علوم پزشکی بود. اکثریت افراد فوق در صورت تشکیل کارگاه‌های آموزشی معاینات و تشخیص ضایعات و نیز تشکیل گروه‌های بیماریابی، علاقمند به شرکت بودند.

در مجموع مطالعه حاضر نشان داد که هر دو گروه دندانپزشکان و پزشکان با ضایعات بدخیم دهانی برخورد دارند ولی متأسفانه میزان آگاهی هر دو گروه در این رابطه در حد مطلوبی نیست. همچنین اکثریت افراد فوق به انجام معاینات سرطان دهان در بیمارانشان توجه کافی ندارند.